

# نقش پنهان بنگاهداری حاکمیتی در مسیر کارآمدی



تدبیر  
گروه مشاوران مدیریت  
و مطالعات راهبردی



پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی  
Institute of Vision and Futures Studies

گردآورنده:

گروه آینده پژوهی و حکمرانی

پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی



# پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی

عنوان: نقش پنهان بنگاهداری حاکمیتی در مسیر کارآمدی

نویسنده: دکتر علیرضا سلوکی

همکار اصلی: دکتر علی ابراهیم نژاد

مشاوران: آقایان مهدی پاک ذات / مهدی خراتیان / مهدی رعنائی / سیدعلی روحانی / محمد سلیمانی / هادی

عباسی / محمد مجید فولادگر / علیرضا نصر اصفهانی / سجاد هجری

گردآوری: گروه آینده پژوهی و حکمرانی

پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی





## مقدمه:

بخش مهمی از تخصیص منابع اقتصاد کشورها در بنگاه‌ها اتفاق می‌افتد و ساختار مالکیت آن‌ها نیز نشان‌دهنده این موضوع است. در بنگاه‌های اقتصادی، حداکثر کردن ثروت برای مالکان و سهامداران بنگاه هدف اصلی است. این هدف ممکن است از طریق حداکثر کردن سود و یا افزایش دارایی بنگاه (شامل دارایی محسوس و نامحسوس) حاصل شود. از منظر تئوری بنگاه و دیدگاه‌های سنتی نیز حداکثر کردن سود تنها هدف بنگاه‌های اقتصادی است. فلسفه وجودی و ارزش اقتصادی بنگاه‌ها، کاهش هزینه مبادله و ریسک در نظام اقتصادی با تکیه بر قدرت مکانیسم قراردادهای و ساختارمند کردن بازارها است (سلاح‌ورزی).

نظام بنگاه داری و ساختار مالکیت بنگاه‌ها عامل بسیار تعیین کننده در اقتصاد و نحوه تخصیص سرمایه در اقتصاد است. بخش عمده میزان بهره‌وری در اقتصاد و تاثیرگذاری بر رشد و توسعه در ساختار بنگاه‌ها شکل می‌گیرد. شناسایی ساختار مالکیت بنگاه‌ها در حکمرانی بنگاه‌ها و نحوه تخصیص منابع بسیار تاثیرگذار بوده و اثرات چشمگیری بر رشد و توسعه اقتصادی دارد. با توجه به این موضوع باید در نظر داشت که ارزش افزوده چشمگیری در بنگاه‌های بزرگ حاصل می‌شود که بر نظام مسائل اقتصادی و بصورت مستقیم بر سطح درآمد جامعه، سطح رفاه و تولید ناخالص داخلی کشور اثرگذار است. بر همین اساس به نظر می‌رسد در جهت بهبود نظام حکمرانی و فهم بهتر نظام مسائل اقتصادی، شناخت ساختارهای بنگاهداری و بهبود فرآیندهای آنها بسیار حائز اهمیت است (ابراهیم نژاد).

در اکثر کشورها به جز آمریکا و انگلیس، ساختار بنگاهداری هرمی و ضربدری<sup>۱</sup> رایج است و بخش بزرگی از شرکتهای بورسی و غیربورسی از طریق شبکه‌های سهامداری پیچیده و تودرتو با یکدیگر در ارتباط هستند. در این کشورها معمولاً کسب‌وکارهای خانوادگی با استفاده از ساختار هرمی و مالکیت چندلایه، حق کنترل بیشتری نسبت به حق جریان نقدی خود به دست می‌آورند و می‌توانند با استفاده از منابع مالی محدود خود، بخش بسیار بزرگتری از منابع اقتصاد را تحت کنترل داشته باشند (ابراهیم نژاد).

در این گزارش انواع ساختار بنگاهداری و نظام بنگاهداری ایران، آسیب‌ها و چالش‌ها و پیامدهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و در همین راستا پیشنهادهای سیاستی و راهبردی جهت بهبود بنگاهداری در نظام مسائل اقتصاد کشور ارائه می‌گردد.

## انواع ساختارهای بنگاهداری

ساختارهای متنوعی از نظام‌های بنگاهداری وجود دارد اما معمولاً یک یا دو نوع از این ساختارها، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. بصورت کلی ساختارهای بنگاهداری در دسته‌های ذیل قرار می‌گیرند:

- کسب و کارهای تک مالکیتی/خانوادگی<sup>۲</sup>
- ساختار مالکیت پراکنده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> سهام‌داری هرمی و ضربدری یکی از پدیده‌های رایج در بازارهای درحال توسعه است که از یک‌سو به سهامدار امکان می‌دهد با داشتن سهم مشخصی از جریانات نقدی یک شرکت، کنترل بیشتری روی آن شرکت به دست آورد و به عبارت دیگر، حق رأی سهامدار از حق جریان نقدی (مالکیت) وی پیشی بگیرد. از سوی دیگر، در صورت ضعف بازارها و نهادهای مالی شرکت‌ها می‌توانند با ایجاد روابط سهام‌داری با سایر شرکت‌ها، بر مشکلات ناشی از ضعف بازار مالی و دسترسی به منابع مالی فایز آیند.

<sup>۲</sup> در کسب و کارهای تک مالکیتی معمولاً یک خانواده یا یک فرد، مالک کامل آن کسب و کار است.

<sup>۳</sup> در ساختار مالکیت پراکنده مالکیت یک بنگاه یا حتی بخشی عمده از آن در اختیار یک شخص یا یک گروه خاص نیست و در واقع سرمایه‌گذار یا مالک عمده کنترلی ندارد، بلکه مالکیت آن در اختیار یک طیف وسیعی از سرمایه‌گذاران است.





- بنگاه چند رشته‌ای<sup>۴</sup> (Conglomerate)
- هلدینگ<sup>۵</sup>
- گروه کسب و کار<sup>۶</sup> (Business Group)

گروه کسب و کار رایج‌ترین ساختارهای بنگاهداری به خصوص در بنگاه‌های بزرگ ایران را شامل می‌شود که در آن مجموعه‌ی زیادی از بنگاه‌ها در همدیگر روابط سهامداری دارند.

### نقش آفرینی بنگاه‌ها در اقتصاد

وزارت صنعت، معدن و تجارت بنگاه‌های با کمتر از ۵۰ نفر شاغل را کوچک و متوسط معرفی می‌کند، مرکز آمار ایران بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ نفر شاغل را کوچک و متوسط می‌داند و از دید سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، بنگاه‌هایی که بین پنج تا ۵۰ نفر نیروی کار دارد، کوچک و متوسط است و بیشتر از آن بنگاه‌های بزرگ هستند (صالحی نیا). در اغلب کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD<sup>۷</sup>)، بنگاه‌های بزرگی که بیش از ۲۵۰ نفر نیروی کار دارند (با وجود اینکه کمتر از یک درصد تعداد واحدهای کسب و کار را تشکیل می‌دهند) اما بخش قابل توجهی از ارزش افزوده اقتصاد را تولید می‌کنند. سهم ارزش افزوده‌هایی که توسط بنگاه‌های بزرگ ایجاد شده، در بین کشورهای مختلف، بسته به اندازه و ساختار جمعیت، متفاوت است. به عنوان نمونه این سهم در لوکزامبورگ ۱۵ درصد، در ایتالیا ۳۲ درصد و در مکزیک بالای ۶۰ درصد است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران).

### آسیب‌ها و چالش‌های رایج گروه‌های کسب و کار

چالش موجود گروه‌های کسب و کار، قرار گرفتن نهاد شبه‌دولتی در رأس اکثر گروه‌های کسب و کار است و در نتیجه در بسیاری از موارد ممکن است هدفی که در رأس هرم دنبال می‌شود، لزوماً کسب سود و افزایش کارایی نباشد. در ساختارهای گروه کسب و کار که کل دارایی تحت مدیریت سهامدار اصلی است، بخش کلیدی منفعت برای سهامدار اصلی خواهد بود، در حالی که تنها بخش کوچکی از زیان ناشی از عدم تخصیص سرمایه به پروژه‌های سودآور خارج از گروه را متحمل می‌شود و در نتیجه اشتیاق سیری‌ناپذیر برای گسترش و مقاومت زیادی در برابر کوچک شدن دارد. هرگونه جابجایی منابع میان شرکت‌های عضو یک گروه کسب و کار حتی اگر در مجموع به نفع کل گروه باشد، با تغییر جریان نقدی و حق رای باعث زیان گروهی از سهامداران خرد خواهد شد. همچنین در گروه‌های کسب و کار روابط انحصاری برای شرکت‌های عضو ایجاد شده و رقابتی با شرکت‌های خارج از گروه کسب و کار وجود ندارد. در این شرایط حتی در شرایطی که فرصت‌های سودآور خارج از گروه، جذاب‌تر است. ترجیح به

<sup>۴</sup> بنگاه‌های چندرشته‌ای نوعی از مالکیت می‌باشند که در آن یک کسب و کار زیر بخش از یک شرکت یا بنگاه بزرگ است که در صنایع و حوزه‌های مختلف فعالیت دارد.

<sup>۵</sup> هلدینگ ساختار دیگری از بنگاهداری است که در آن یک شرکت مالکیت و مدیریت بنگاه‌های زیرمجموعه‌اش را به طور کامل در اختیار دارد.

<sup>۶</sup> گروه کسب و کار مجموعه‌ای از شرکت‌های (عمدتاً) بورسی است که تحت کنترل یک سهامدار عمده هستند.

<sup>۷</sup> Organization for Economic Co-operation and Development



سرمایه‌گذاری درون گروهی وجود دارد. به طور مثال هلدینگ سیمان ممکن است در دوره رکود ساختمانی نیز به سرمایه‌گذاری در سیمان ادامه دهد.

مهم‌ترین آسیب مد نظر برای گروه‌های کسب و کار تفاوت حق رأی<sup>۸</sup> و حق جریان نقدی<sup>۹</sup> است که پیامدهای متعددی دارد:

- **انگیزه ضعیف و نامناسب:** به دلیل پایین بودن حق جریان نقدی، بخش اندکی از زیان ناشی از تصمیمات نادرست به سهامدار اصلی بر می‌گردد اما کل منافع ناشی از سوء استفاده احتمالی را می‌تواند مال خود کند.
- **جمود و عدم تغییر:** ترکیب جمود مدیریتی و حق جریان نقدی پایین باعث می‌شود از یک سو امکان تغییر مدیریتی از بیرون میسر نباشد و از سوی دیگر، سهامدار اصلی نیز انگیزه کافی برای اصلاح نداشته باشد که در این خصوص مثال‌های متعددی از بی توجهی سهامداران اصلی به شرکت‌های زیرمجموعه می‌توان یافت.

### نظام بنگاهداری در ایران

تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، گامی بزرگ در راه رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی است که از مسیر ایجاد اصلاحات ساختاری و خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی می‌گذرد. هم اکنون، تعداد زیادی از نهادهای عمومی غیردولتی، همچنان با مدیریت دولتی اداره می‌شوند و وابسته به دولت هستند. در نتیجه به دلیل عدم تخصص این نهادها در موضوع بنگاهی که مالکیت آن را بر عهده گرفته‌اند، کیفیت خدمات و کالاها و در نهایت کارایی این بنگاه پایین می‌آید (عباسی و اکبری<sup>۱۰</sup>). با توجه به گروه‌های کسب و کار موجود در کشور و شرایط حال حاضر اقتصادی کشور، حذف کامل این نوع بنگاهداری امکان‌پذیر نمی‌باشد و از طرفی نیز ادامه فعالیت آن‌ها با شیوه فعلی تبعات منفی برای نظام اقتصاد کشور دارد. در نتیجه شناسایی بنگاه‌هایی که بخش بزرگی از تصمیمات اقتصادی کشور را می‌گیرند بسیار حائز اهمیت است. بر این اساس می‌توان گفت بهبود نظام حکمرانی شرکتی در کشور و حل چالش‌های آن اهمیت فراوانی دارد (ابراهیم نژاد).

با اینکه در ایران موضوع بنگاهداری هرمی و ضربدری، مسئله رایج و مهمی به شمار می‌رود، تا کنون تحقیق و بررسی جدی در این زمینه صورت نگرفته است. بر اساس نتیجه مطالعات گسترده، یکی از دلایل اصلی ایجاد شبکه‌های مالکیتی تودرتو و پیچیده، ضعف زیرساخت‌های قانونی و حقوقی است (فرج‌پور بی‌بالان، فاطمی و ابراهیم نژاد<sup>۱۱</sup>).

بخش بزرگی از شرکت‌های حاضر در بورس تهران و فرابورس ایران، تحت کنترل شبکه‌ای از بنگاه‌های وابسته به هم قرار دارند، اما بر خلاف اکثر کشورهایی که بنگاهداری هرمی در آنها وجود دارد، در ایران، به ندرت افراد و خانواده‌ها در رأس شبکه بنگاهداری بنگاه‌ها قرار می‌گیرند و کسب‌وکارهای خانوادگی بزرگ به اندازه سایر کشورها رواج ندارد. در مقابل، تعدادی نهاد و سازمان بزرگ که عمدتاً دولتی یا شبه دولتی هستند، همراه با زیرمجموعه‌های خود، بخش

<sup>۸</sup> حق رأی: سهامدار می‌تواند به نسبت درصد سهام خود براساس قانون تجارت در تصمیمات کلیدی مانند انحلال شرکت، انتخاب مدیران، افزایش سرمایه و غیره حق رأی داشته باشد.

<sup>۹</sup> حق جریان نقدی: سهامدار یک شرکت به نسبت سهامی که دارد در سود و زیان شرکت سهیم است.

<sup>۱۰</sup> بیژن عباسی و مینا اکبری. (۱۳۹۵). نقش نهادهای عمومی غیردولتی در خصوصی‌سازی ایران و آثار آن. فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه. شماره ۳، صفحات ۴۸-۲۳.

<sup>۱۱</sup> محمدرضا فرج‌پور، سیدفرشاد فاطمی و علی ابراهیم نژاد. (۱۳۹۷). ساختار بنگاهداری و رفتار بازده سهام: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه تحقیقات مالی. دوره ۲۱، شماره ۱، صفحات ۵۸-۳۵.



بزرگی از گروه‌های کسب‌وکار را تحت کنترل خود دارند (مانند شستا و هلدینگ شفادارو). با توجه به نقش چشمگیر شبکه‌های بنگاهداری و گروه‌های کسب‌وکار در اقتصاد ایران و به‌خصوص بورس تهران، لازم است از یک سو ریشه‌های ایجاد چنین ساختارهایی شناسایی و از سوی دیگر، پیامدهای وجود این ساختارها از جنبه‌های مختلف، از جمله تأثیرات آن بر بازار سهام، به دقت تحلیل و ارزیابی شود.

بر اساس ادبیات اقتصادی، مالکیت و کنترل صد درصدی بنگاه‌ها توسط سهامداران عمده بر عملکرد و ارزش شرکت‌ها تأثیرگذار است. کنترل شرکت توسط یک یا چند سهامدار بزرگ می‌تواند مزیت‌هایی از قبیل بهبود عملکرد و نظارت بهتر بر مدیریت به همراه داشته باشد، اما از سوی دیگر امکان ایجاد تضاد منافع با سهامداران خرد را در پی دارد.

### جایگاه بنگاهداری حاکمیتی در ایران

بنگاهداری حاکمیتی در ایران، صرفاً متضمن ابعاد اقتصادی نیست بلکه پیامدهای عمیق سیاسی، اجتماعی و حتی امنیتی دارد و با الگوی حکمرانی انقلاب اسلامی مرتبط است. ایجاد بنگاه‌های چند لایه و گسترده را نمی‌توان تنها از پنجره عملکرد اقتصادی آنها تحلیل کرد، چرا که کارکردهای دیگری همچون انجام فعالیت‌های اجتماعی گسترده؛ تربیت حکمرانان آینده؛ شناسایی ظرفیت‌های انسانی خصوصاً توانمندی‌های رهبری، مدیریتی و مربی‌گری این ظرفیت‌ها در میدان‌های بزرگ‌مقیاس اقتصادی و اجتماعی و ... نیز از جمله اهداف این نوع بنگاهداری به شمار می‌آید. از سوی دیگر بنگاه‌های بزرگ‌مقیاس در ایران صرفاً دولتی نیستند (هر چند که بخش قابل توجه آن‌ها دولتی است). به بیان دیگر اراده‌های مختلف سیاسی و مداخله جریان‌های قدرت، در شکل‌دهی و راهبری و به‌کارگیری و بهره‌مندی از ظرفیت بنگاه‌ها دخیل است. از این رو می‌توان گفت بنگاه‌ها از یک سو از محیط سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور اثر می‌پذیرند و از سوی دیگر، بر محیط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی کشور اثر می‌گذارند. ضعف و قوت جریان‌های سیاسی و اقبال اجتماعی به آنان، بر ساختار بنگاه‌ها و چیدمان مدیران موثر است و این تأثیر در بنگاه‌های دولتی حداکثر است. این بنگاه‌ها صدها یا شاید هزاران صندلی طلایی دارند که در هر دوره‌ای به طیف و گروهی تعلق می‌گیرد. در بنگاه‌های حاکمیتی این نوسانات و چرخش‌ها کمتر است و از موقعیت نسبتاً پایدارتری برخوردارند. اگر چه فرایند مداخله نهادهای قدرت نیز، سهم و نقش آن‌ها را در بستر زمان تغییر می‌دهد.



پس به دلایل مذکور، گروه‌های کسب و کار بزرگ‌مقیاس ایران، الزاماً از مسیر حرفه‌ای و تخصصی تغذیه نمی‌شوند و همین امر منجر به بروز چالش‌های متعدد مدیریتی می‌شود و بر بهره‌وری کلان آن‌ها به شدت اثرگذار است. همچنین نمی‌توان انتظار



داشت که حاکمیت اعم از دولت و نهادهای حاکمیتی صرفاً با رویکرد اقتصادی به بنگاه‌ها ورود کنند، در نتیجه لازم است برای کاهش خطا و ارتقای بهره‌وری این بنگاه‌ها سیاست‌گذاری هوشمند و تنظیم‌گری و قاعده‌گذاری دقیق انجام گیرد.

در محیط اثرپذیر نیز بنگاه‌ها نقش و سهم قابل توجهی دارند. مثال‌های متعددی از مدیران ارشد کشور وجود دارد که از بنگاه‌های دولتی و حاکمیتی برخاسته‌اند و در تراز ملی و راهبردی ایفای نقش کرده‌اند (بنگاه‌های حاکمیتی به مثابه سکوی پرش مدیران ارشد کشور). قدرت اقتصادی و تنوع حوزه‌های کاری و گستره اثرگذاری خصوصاً در بدنه فعال کشور، این نهادها را به بازیگران اثرگذار در محیط اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌کند. مسئولیت اجتماعی این بنگاه‌ها در حمایت و مشارکت و تمرکز بر مقولات مختلف اجتماعی و فرهنگی، معادله‌های جاری و قواعد موجود را تغییر می‌دهد. **بعنوان مثال اگر بنگاه بزرگ‌مقیاسی در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان یا اندیشکده‌های کشور ورود کند یا بعنوان یک شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر، از کسب و کارهای فناورانه حمایت کند یا نهادهای اجتماعی در یک منطقه خاص را مورد حمایت قرار دهد و یا به حوزه صنایع فرهنگی و حمایت از تولید انیمیشن و فیلم ورود کند، آرایش مسئله را تغییر خواهد داد.** در نتیجه گروه‌های کسب و کار در ایران، مأموریت‌هایی فراتر از حوزه اقتصاد دارند و تمام ملاحظاتی که در کارآمدی اقتصادی مدنظر است می‌بایست در سایر بخش‌های اجتماعی، سیاسی و غیره با وسواس بیشتر در نظر گرفته شود و در صورت غفلت، متعاقباً دومینویی از ناکارآمدی‌ها در حوزه‌های مختلف ایجاد خواهد شد که احتمالاً از خسارت‌های اقتصادی ناشی از بنگاه‌ها، بحرانی‌تر و ویران‌کننده‌تر خواهد بود. بر همین مبنا کارآمدسازی بنگاه‌های حاکمیتی و دولتی، به کمک ابزارهای تنظیم‌گری و سیاست‌گذاری یکی از حیاتی‌ترین اقدامات در اقتصاد ایران است (فولادگر).

### جمع‌بندی

همانگونه که در این گزارش اشاره شد، گروه‌های کسب و کار از ساختارهای اصلی بنگاهداری در جهان هستند که در ایران نیز این ساختار بسیار رایج است. این ساختار دارای پیامدهای مثبت و منفی می‌باشد که جهت به‌کارگیری بهتر این ساختار نیازمند اصلاح و رفع پیامدهای منفی در آن هستیم. از مهم‌ترین اقداماتی که می‌توان به تصویب قوانین، اصلاح ساختار و فرآیندهای موجود و اقدامات حمایتی جهت بهبود شرایط اقتصادی گروه‌های کسب و کار اشاره نمود. رفع موانع موجود در گروه‌های کسب و کار نیازمند تعریف صحیح و جامع اهداف و استراتژی‌ها، شناخت دقیق فضای کسب و کار، متناسب بودن عوامل و محدودیت‌ها و توان بنگاه‌ها در بهره‌جستن از این عوامل است (عظیمی و عساری آرنی). **هویت هر نهاد ملی یا شرکتی که در قالب گروه‌های کسب و کار است می‌بایست توسط حاکمیت شناسایی شود و همچنین هر نهاد نیز از علت تاسیس و نقش خود در سطح ملی آگاه باشد (خراتیان).**

بصورت کلی نظام اقتصاد کشور نیازمند هر سه سطح اقتصادی دولت، نهادهای عمومی غیردولتی و بنگاه‌های کاملاً خصوصی است زیرا برخی فعالیت‌ها تنها از سوی دولت مورد پذیرش قرار می‌گیرد و به نوعی مسئولیت اجتماعی دولت است در حالیکه هیچکدام از نهادهای دیگر این مسئولیت را بعهدہ نگرفته و همچنین نمی‌توانند جایگزین مناسبی برای دولت باشند و در این خصوص بصورت واضح، تقسیم کار صحیح و تعیین محدوده فعالیت‌ها بین نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی مورد نیاز است (عباسی). در این راستا باید در نظر داشت که خدمت محور بودن همواره به معنی زیان‌ده بودن نیست و باید آگاهی داشت که در کدام حوزه و کدام شرکت سود و از کدام یک توسعه طلب می‌شود (عباسی).





در راستای بهبود شرایط موجود گروه‌های کسب و کار در کشور باید این نکته را در نظر داشته باشند که الگوبرداری صد درصدی از شرکت‌های بزرگ خارجی با ساختارهای بزرگ، کارآمد نخواهد بود زیرا شناخت کافی از فرآیندهای موجود آنها وجود ندارد (عباسی). در فرآیند الگوبرداری می‌بایست به پلتفرم‌های موجود و تجربه‌های تاریخی هر کشور آگاهی کامل داشت تا ضمن همسو سازی و مقایسه شرایط آنها در کشور قابلیت اجرایی شدن آنها وجود داشته باشد (خراتیان). اما دولت به دو دلیل نمی‌تواند یک بنگاه را خود مستقیماً اداره کند اولاً آنکه تولیدکنندگان در بخش دولتی در چارچوب مقررات و سازوکارها به روزمرگی دچار می‌شوند. ثانیاً دولت‌ها نمی‌توانند در برابر موفقیت به اندازه کافی پاداش دهند و در ازای شکست‌ها تنبیه کنند.

ساختار گروه‌های کسب و کار در کشور عملاً تبدیل به گروه‌های فشاری برای حاکمیت شده است و این گروه‌ها برای تغییر دادن سیاست‌ها فعالیت چشمگیری دارند و پیشنهاد می‌شود که در قوانینی که ناظر بر بازار سرمایه است و یا در قانون تجارت گروه‌های کسب و کار ضریب سیاستی پیدا کنند (روحانی). در ضمن برای راهکارهای موجود برای بهبود ساختار گروه‌های کسب و کار هر مسئله را می‌بایست در قالب نظام مسائل و با وزن‌دهی مشخص بررسی و در گام بعدی راهکارهای جدید و اصلاحات قوانین ارائه شود (پاک‌ذات). تمامی راهکارها می‌بایست با این تفکر ارائه گردند که بنگاهداری در نظام مالی کشور به عنصری مولد در اقتصاد تبدیل شود به طوری که ظرفیت‌های اقتصادی کشور را بیش از پیش در عرصه‌ی تولید فعال کند و با آگاهی کامل از نقاط ضعف و قوت خود، عزم برای دستیابی به هدف آرمانی «برتری و اقتدار» کشور ایران جزم شود. در این راستا با استفاده از خردجمعی نخبگان کشوری و بررسی نظام مسائل اقتصادی و بهره‌گیری از پیشنهادات جامعه نخبگان جوان بهبود نظام بنگاهداری کشور محقق خواهد شد.

### پیشنهاد‌های سیاستی و راهبردی جهت بهبود بنگاهداری در نظام مسائل اقتصاد کشور

**تصویب قوانین:** با توجه به کارکردی که گروه‌های کسب و کار در اقتصاد کشور دارند نمی‌توان با آنها برخورد حداکثری داشت، اما می‌توان قوانینی مانند قانون سهامداران خرد برای اصلاح وضع موجود آنها تصویب کرد (رعنائی) و همچنین با شناخت دقیق راهکارهای اصلاحی موجود، تصویب یا اصلاح قوانین صورت پذیرد (پاک‌ذات). با تصویب قوانین، دولت فعالیت‌های خاصی را برای افراد و بنگاه‌ها، مجاز یا غیرمجاز کند (روحانی و هجری). این فعالیتها عمدتاً خصوصی و گاهی عمومی هستند و دولت کنترل آنها را با ساماندهی، تنظیم، تمشیت یا تعدیل از طریق فرآیند اداری مستمر و عموماً از طریق سازمانهای اداری خاص (سازمان‌های مقررات‌گذار) در دست گیرد.

**اصلاح ساختار بنگاه‌ها:** ساختار و هویت گروه‌های کسب و کار توسط حاکمیت شناسایی شود و هر نهاد نیز با در نظر گرفتن علت تاسیس و نقش خود در سطح ملی فعالیت داشته باشد (خراتیان) و با کاهش بنگاه‌های لایه‌های پایین در ساختار و مشخص بودن حوزه فعالیت هر بنگاه، هدایت فعالیت آنها به سمت پروژه‌های خاص انجام شود (ابراهیم نژاد). اعمال سیاست‌هایی در جهت تمرکز و ایجاد بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش خدمات، می‌تواند منجر به افزایش ارزش افزوده کشور شود و همچنین بنگاهداری از انحصار دولت و نهادهای عمومی و شبه دولتی خارج شود و تمام نهادهای عمومی غیردولتی موظف باشند تمام سهام مدیریتی خود را ظرف سه سال به بازار عرضه کنند. بعد از آن هم حق داشتن سهام مدیریتی در بازار را نداشته باشند. به نظر می‌رسد با جلوگیری از افزایش بنگاهداری برای بیش از سه یا چهار لایه می‌توان میزان حق رای را کنترل نمود و همچنین بنگاه‌های بزرگ مدیریت سهام غیرمدیریتی را داشته باشند، اما حق مدیریت بنگاه را نداشته باشند. (ابراهیم نژاد و اخوان). این یک اصلاح اساسی در واگذاری‌ها و امکان شکل‌گیری نظام بنگاهداری رقابتی و افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران است.



بنگاهها از جهت قدرت، باید همتراز باشند و در بازار رقابتی فعالیت کنند و تمامی این اقدامات برای کمک به حفظ همبستگی اجتماعی و حفظ بنگاهها در یک بسته سیاستی در کنار هم انجام شوند.

**اقدامات حمایتی:** در کنار سیاست تجاری همسو با تقویت تولید ملی، سیاست مالی و بانکی نیز موجب فراهم شدن منابع مالی و سرمایه‌ای کافی برای تولیدکنندگان خواهد بود (عباسی). شبکه‌ی بانکی همگام با روحیه و فرهنگ اعتدال در مصرف و پس‌انداز مردم، با جمع‌آوری سرمایه‌های خرد و تخصیص تسهیلات به تولیدکنندگان و بنگاه‌های کوچک می‌تواند به عنوان موتور محرک صنعت و فناوری کشور نقش ایفا کند. همچنین به نظر می‌رسد باید هدایت اعتبار به منظور اصلی‌ترین مکانیسم انگیزشی در اقتصاد به سمت بنگاه‌های کوچک سوق داده شود و سیستم بانکی و مخصوصاً بانک‌های خصوصی تبدیل به پیش‌خدمت‌هایی مشتاق در راستای اهداف تعیین‌شده‌ی دولت تبدیل شوند. همچنین اعتبارات جهت‌دار به طرف بخش خصوصی برای خلق زنجیره‌ی ارزش سوق داده شود.

### اقدامات حمایتی

- ارائه تسهیلات به اشخاص حقیقی و حمایت بنگاه‌های کوچک
- اجرای سیستم پاداش مبتنی بر عملکرد و سودآوری برای مدیران با حفظ مالکیت دولتی
- اعتبارات جهت‌دار جهت اجرای پروژه‌های ملی با هدف افزایش اعتماد مردم و خلق زنجیره ارزش

### اصلاح ساختار

- رعایت اندازه اقتصادی بنگاهها
- جلوگیری از بزرگ شدن بنگاه‌های نهادهای عمومی
- جلوگیری از برخورداری منفعت شخصی مدیران
- جلوگیری افزایش بنگاهداری برای بیش از سه یا چهار لایه و ایجاد ساختار مالکیتی فلت
- جلوگیری از اعمال نفوذ مدیران بالادستی بر تصمیم‌گیری هیئت مدیره شرکت‌های کوچک‌تر

### تصویب قوانین

- جلوگیری از ایجاد انحصار، توسط بنگاه‌های اقتصادی
- نظارت بر تفکیک میزان حق رای و حق جریان نقدی
- جلوگیری از حق رای صد درصدی مدیران دولتی
- عرضه سهام شرکت در بازار بورس ظرف چندسال
- جلوگیری از ایجاد تعارض منافع بین سهامداران خرد و عمده





**پژوهشکده چشم‌انداز و آینده‌پژوهی**  
**Institute of Vision and Futures Studies**

آدرس: انتهای ستاری شمال | دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد علوم و تحقیقات | پشت ساختمان علوم پایه |  
ساختمان شیخ بهایی | پژوهشکده چشم‌انداز و  
آینده‌پژوهی

 [www.fstt.ir](http://www.fstt.ir)

شبکه های اجتماعی @fsthinktank

تلفکس: ۴۴۸۶۵۳۳۷

۰۲۱- ۴۴۸۶۵۳۴۲